

هور شریعتمدار، هویتی پنهان در عرصه فرش دستباف

دکتر امیرحسین چیت‌سازبان

استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

امینه نظری اصطهباناتی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان

چکیده

است و با استفاده از مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای تلاش کرده توانمندی‌های هنرمندان خلاق و بافندگان گمنام این فرش خاص را در معرض مطالعه پژوهشگران و علاقه‌مندان فرش این مرز و بوم قرار دهد. ناگفته‌های آشکار شده در این جستار، می‌تواند به افزایش داده‌های مورد نیاز در برنامه‌ریزی‌ها و پژوهش‌های کاربردی فرش ایران مساعدت نماید. همچنین این تحقیق اصیل، از امحاء اطلاعات فرش مورد نظر پیشگیری نموده و زمینه‌های احیاء و رونق دوباره آن را در منطقه ایج و استهبان فارس فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هور شریعتمدار، شهر ایج، فرش

دستباف، طرح و نقش، نمادگرایی

در عرصه فرش دستباف ایران، مناطقی گوناگون با دیرینه‌ای متفاوت وجود دارند که برخی از آنها همچنان ناشناخته باقی مانده یا به فراموشی سپرده شده‌اند. یکی از این موارد منطقه باستانی «ایج» و فرش هور شریعتمدار است که در زمانی نه چندان دور، از شاهکارهای بی‌نظیر فرش‌بافی فارس محسوب می‌شد. بی‌تردید از جمله پژوهش‌های ضروری در پهنه فرش دستباف، بیرون کشیدن و آشکار نمودن چنین گنجینه‌های فرهنگی از زیر غبارها و ناپیداهای روزگار است. پژوهش حاضر با هدف معرفی این هویت پنهان با همه ویژگی‌هایش و از جمله خصوصیات طرح و مفاهیم نهفته در آرایه‌های نمادین آن صورت پذیرفته



هور شریعتمدار[۱] که احتمالاً نامی است ناآشنا برای اهل فرش، دیرزمانی از شاهکارهای فرش بافی فارس محسوب می گردیده است. بافت این شاهکار گمنام و فراموش شده، در شهر ایج صورت می پذیرفته است. این شهر از شهرهای باستانی و تاریخی استان فارس و از زمانی دور جایگاه بافت فرش هور شریعتمدار بوده، شهری که شاید کمتر کسی با نام آن مأنوس باشد. فرش اصیل هور شریعتمدار دارای طرحی بی نظیر و ممتاز است.

نقش مایه های فرش های فارس سراسر نمادند، نمادهایی که هر یک چندین معنا و مفهوم دربردارند. از آنجایی که فرش هور شریعتمدار نیز عضوی از جامعه فرش فارس به شمار می رود، می توان نمادهای گوناگونی را در طرح این فرش مشاهده کرد، نمادهایی که اغلب آنها در فرش های فارس مشترکند.

آشنایی با نحوه بافت این فرش نیز می تواند از منسوخ شدن آن جلوگیری کرده، آن را به عنوان یک هنر و صنعت ملی، همچنان که از پیشینیان ما به ارث رسیده در اختیار آیندگان قرار دهد. در مورد این فرش تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته، تنها استاد سیروس پرهام، محقق گرانقدر و فرش شناس ایران، اشاراتی مختصر در این مورد دارند که در کتاب شاهکارهای فرش بافی فارس ذکر شده است. بنابراین مطالعه حاضر عمدتاً به صورت میدانی است.

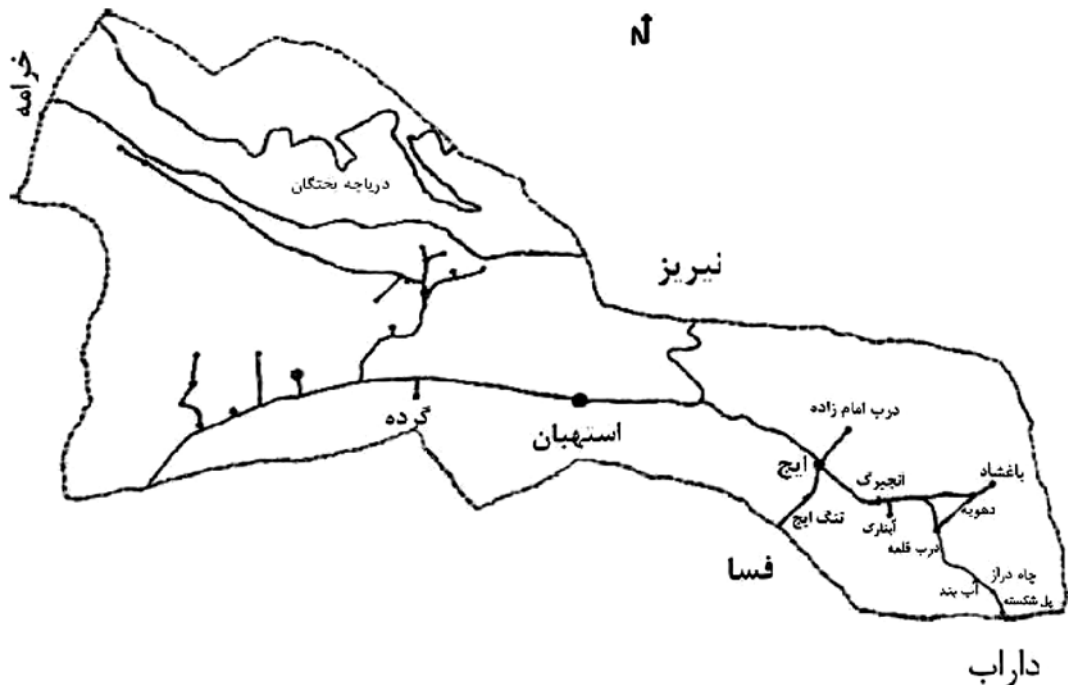
- سابقه تاریخی: اولین متون کهن جغرافیایی، تقسیمات سیاسی سرزمین فارس را در قبل از اسلام به پنج کوره (ایالت) تقسیم کرده اند:

۱. کوره اردشیر شامل شهر جور(گور) یا فیروز آباد) و توابع آن.
 ۲. کوره استخر شامل شهر استخر و پاسارگاد و تخت جمشید (جلگه مرودشت).
 ۳. کوره دارابگرد شامل شهر دارابگرد و توابع آن از جمله ایگ (ایج) و استهبان[۲].
 ۴. کوره شاپور شامل شهر بیشاپور (کازرون) و توابع آن.
 ۵. کوره قباد شامل ارجان (بهبهان) و توابع آن.
- بعد از اسلام و در زمان خلفا این تقسیمات شامل استخر، شاپور (بیشاپور) اردشیر خوره، دارابگرد، ارکان (ارجان) و پسا (فسا) [۳] بوده که در قرون بعد به چهار ایالت محدودتر شده است. ایالت شبانکاره، شیراز، کهگیلویه و لارستان. در تقسیم بندی اخیر، استهبان در ایالت شبانکاره قرار داشته است. پایتخت شبانکاره، شهر «ایگ» بوده (۷۵۶-۴۴۸ ه.ق.) که اعراب به آن «ایج» می گفته اند و بعد از خرابی آن، قصبه «اصطهبانات» [۴] (شهرستان استهبان کنونی) در چهار فرسخی میان غرب و شمال آن آباد شده است. (کیانی، ۱۳۷۶، ۳-۵) براساس نوشته دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، از سال ۴۷۰ ه.ق. که در نزدیکی ایج، دژ دارالامان به فرمان نظام الدین حسن بن ابراهیم از ملوک شبانکاره ساخته

شده، اهمیت ویژه یافته و تا چند سده مرکز حکومت ملوک شبانکاره فارس بوده است. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ۴۱۷۰). لغتنامه دهخدا ذیل لغت ایچ (ایچ) آورده است: در قدیم شهری معتبر بود و چندین صد سال پایتخت ملوک شبانکاره بود. هوایی در کمال اعتدال دارد... انار ایچ از تمام انارهای فارس بلکه از تمام انارهای ممالک ایران بهتر است. (دهخدا، ۱۳۷۷)

– **اقلیم جغرافیایی و طبیعی ایچ**[۵]: ایچ شهری است در جنوب شرقی شهرستان استهبان در استان فارس که تا مرکز این شهرستان ۳۰ کیلومتر فاصله دارد و منطقه‌ای است با مساحتی حدود ۸۷۲ کیلومتر مربع. شهر ایچ دارای ۱۱۷۱ خانوار و ۵۷۸۳ نفر جمعیت است که از این تعداد ۲۹۴۴ نفر مرد و ۲۸۳۹ نفر زن هستند. با وجود ۲۲۹۰ هکتار سطح باغی و ۵۶۰۰ هکتار سطح زراعی،

اغلب مردم این شهر به کشاورزی و علاوه بر آن، دامداری مشغول هستند. حدود ۱۰۰ بافنده نیز در ایچ مشغول به کار هستند. مردم زحمتکش این شهر در باغ‌های خود محصولات نظیر پرتقال، نارنگی، لیموترش، انجیر، زیتون و انار و در زمین‌های کشاورزی شان گندم، جو، ذرت، برنج، چغندر، محصولات جالیزی، کلزا و هندوانه به بار می‌آورند. تنها رودخانه دائمی ایچ به نام رودبار[۶] همچنان جریان دارد و چشمه‌های بُدره[۷]، بُناب[۸] و نوداب[۹] با گذشت سال‌های زیاد هنوز هم از دل زمین می‌جوشند و زمین‌ها را سیراب می‌کنند. منطقه ایچ شامل ۱۰ روستا است به نام‌های: درب قلعه، باغشاد، درب امامزاده، پل شکسته، دهویه[۱۰]، انجیرک[۱۱]، آب‌بند[۱۲]، آب‌نارک[۱۳]، تنگ ایچ[۱۴] و چاه دراز[۱۵]. در ایچ عده‌ای از مردم ایل خمسه عرب‌مزی‌دی



تصویر شماره ۱: نقشه استهبان (مأخذ: مدیریت جهاد کشاورزی استهبان)



زندگی می‌کنند که حدود ۱۰۰ سال پیش در این منطقه ساکن شدند. چندین طایفه و تیره از این ایل در ایچ روزگار می‌گذرانند. زبان اصلی مردم این منطقه فارسی است، البته زبان اصلی مردم ایل عربی بوده که امروزه تا حدودی رو به فراموشی گذارده است و تقریباً همه مردم منطقه به زبان فارسی صحبت می‌کنند. خط رسمی این منطقه نیز خط فارسی است.

در حال حاضر در بین بافندگان منطقه ایچ، مراسم خاصی برای شروع بافت و پایین آوردن قالی از دار وجود ندارد. تمام روزهای هفته به جز جمعه‌ها به بافت قالی می‌پردازند، ولی شاید در زمان‌های گذشته آیین‌ها و مراسم با شکوهی وجود داشته که گذشت زمان به آنها رنگ فراموشی زده باشد.

در مجموع در مقایسه با شهرها و روستاهای اطراف، وضعیت اقتصادی مردم ایچ چندان مناسب نیست و در سطح متوسطی قرار دارد. شهر ایچ هنوز هم همان سادگی و صفای بومی و محلی خود را حفظ کرده است. همین مردم ساده و باصفای ایچ، دیرزمانی بافندگان فرش هور شریعتمدار بوده‌اند که از شاهکارهای فرش بافی فارس محسوب می‌شود. بافت آن شاهکارهای قدیمی تقریباً به فراموشی سپرده شده و چند نمونه‌ای هم که بافته می‌شود، تحول بسیار یافته و از اصل خویش بسی دور افتاده و مهجورند.

باورها و عقاید مردم از گذشته تا حال در منطقه ایچ

از لحاظ دینی، مردم این ناحیه از دیرباز تاکنون ادیان و

مذاهب متعددی را تجربه کرده‌اند. به گونه‌ای که آثار باستانی منطقه و متون تاریخی موجود این حقیقت را بازگو می‌کنند. آثار زرتشتی عصر ساسانی و دوران کهن‌تر از آن در منطقه ایچ (مانند چشمه بدره) نشان‌دهنده حضور دین زرتشت در این منطقه هستند. مسجد سنگی ایچ نیز بر بنایی مربوط به پیش از اسلام شکل گرفته و محراب به آن افزوده شده است. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ۴۱۷۰)

با فتح فسا و دارابگرد در سال ۲۰ هجری قمری به دست سپاه اسلام، تفکر اسلامی جایگزین اعتقادات زرتشتی در منطقه گردید، اما این جایگزینی تا مدت‌ها شکلی مطلق و فراگیر نداشت؛ به گونه‌ای که تا قرن ۴ ه.ق. همچنان آثاری از حیات دین زرتشتی در آنجا به چشم می‌خورد. در قرن ۴ و ۵ ه.ق. هر چند سلسله‌های غزنوی و سلجوقی به تبعیت از عباسیان تعصب شدیدی در ترویج مذهب تسنن و سرکوبی مذاهب دیگر به‌خصوص شیعه داشتند اما منابع آن عصر حکایت از گرایش شبانکاره به تشیع اسماعیلی می‌کند.

حمایت شبانکارگان از فراریان اسماعیلی مسلماً مسئله‌ای است که به بررسی گسترده‌ای نیاز دارد. به‌طور خلاصه در این مورد می‌توان گفت که بهره‌برداری شبانکارگان از توانایی‌های نظامی اسماعیلیان و همچنین تضعیف قدرت سیاسی دیلمیان در فارس - که آنها را از دشمنان بسیار نزدیک خود می‌دانستند - از یک طرف و بهره‌برداری اسماعیلیان از شرایط طبیعی منطقه شبانکاره مانند ارتفاعات و قلعه‌های استوار در

آن برای ادامه مبارزه با حکومت‌های غیرشیعی و ترویج و تبلیغ تفکرشان از طرف دیگر شاید از عواملی بودند که می‌توانستند عامل پیوند میان این دو گروه باشند. عامل دیگر شاید نزدیکی تفکر ملی شبانکاره و تفکر سیاسی اسماعیلیان باشد. به هر حال این پیوند به هر دلیل بود در این منطقه پایگاهی را جهت حفظ اندیشه‌های اسماعیلی و تبلیغ آن به‌وجود آورد.

با هجوم مغولان به سرزمین‌های اسلامی و واژگونی حکومت عباسیان، از محدودیت‌های مذهبی و فشار شدیدی که بر شیعیان و اعتقاداتشان وارد می‌شد کاسته گردید. این امر توجه به شیعه‌گری را رونق داد، به‌خصوص که بسیاری از رؤسای صوفیه از بزرگان شیعه بودند. تفکر صوفی‌گری هرچند از قرن ۲ ه.ق. آغاز شده بود اما در قرن ۷ ه.ق. به اوج خود رسید و خیل عظیمی از ایرانیان را به خود جلب کرد. گرایش به صوفی‌گری در منطقه استهبان و ایچ حتی چندین قرن بعد به‌صورت محدود و پراکنده مشاهده می‌شود.

در عصر سلطه مظفریان بر فارس (قرن ۸ ه.ق.) آن‌ها دژ دارالامان را تصرف و ایچ را ویران کردند. حکام این سلسله در ترویج و رشد فرقه شافعی سعی فراوان کردند به‌گونه‌ای که در فارس اکثریت مردم شافعی مذهب گشته و اندک گروهی حنفی یا شیعه وجود داشتند. ایچ و اصطهبانات در این زمان از شرایط اجتماعی و مذهبی وقت متأثر بودند چنانکه تمام شخصیت‌های مهم این دوره که در منابع نامی از آنان برده شده است شافعی‌مذهب‌اند.

از اوایل قرن ۱۰ ه.ق. سلسله صفویه با استیلا بر تمامیت وسیعی از ایران از وجهه دینی عمیق در میان مردم نیز برخوردار شد. این حکومت که با پشتوانه تفکر صوفی‌گری اولین فعالیت‌های سیاسی-مذهبی خود را آغاز کرده بود با رسمی کردن مذهب «شیعه اثنی عشری» حرکت جدیدی را در تاریخ مذهبی ایران به‌وجود آورد. استهبان و ایچ از این دوره سیر مذهبی خود را حول محور تفکر شیعی قوام بخشیدند به‌گونه‌ای که تعلقات عمیقی به مذهب شیعه اثنی عشری پیدا کرد. شاید این امر به‌خاطر فعالیت‌های عمران و آبادی‌ای باشد که در این عصر به‌صورت وسیعی در منطقه به‌خصوص در قصبه اصطهبانات به‌نام شاهان صفوی صورت پذیرفت زیرا این چیزی بود که مردمان این سرزمین هرگز از حکومت‌های گذشته ندیده بودند. البته مسلم است که تلاش‌های تبلیغی داعیان شیعی اسماعیلی در قرون گذشته و همچنین فضای باز مذهبی جدیدی که اکنون به‌وجود آمده بود نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. (کیانی، ۱۳۷۶، ۱۰۱-۱۰۴). در حال حاضر مردم این منطقه شیعه اثنی عشری هستند و در ماه‌های محرم و صفر و رمضان مراسم ویژه‌ای دارند.

تاریخچه و طرح فرش هور شریعتمدار

یکی از خوانین اواخر دوره قاجار که در منطقه استهبان و ایچ نفوذ و اعتبار زیادی داشت و مورد اعتماد مذهبی مردم نیز به شمار می‌رفت مرحوم میرزا حسین صادقی ملقب به شریعتمدار فرزند مرحوم میرزا محمدرضا صادقی بود. بنا به اظهارات آقای محمدرضا آل ابراهیم [۱۶]، پژوهشگر



استهباناتی، در آن زمان تعدادی از عرب‌های ایلات خمسه نسبت به رضاخان میرپنج یاغی شده بودند. مرحوم شریعتمدار از دولت وقت برای این عده تأمین گرفته و آنها را در ایچ ساکن نمود. مرحوم شریعتمدار در ایچ زمین‌های کشاورزی بسیاری داشت که مردهای ایل خمسه را روی این زمین‌ها به کار مشغول کرد. بر طبق گفته‌های پسر مرحوم شریعتمدار، جناب آقای حسن خان صادقی در حدود سال ۱۳۰۰ ه. ش. مرحوم پدرشان در سفری که به خانه خدا داشتند با خود پرده‌ای به ارمغان آوردند. این پرده را به میان مردم ایل خمسه که در ایچ ساکن شده بودند برده و از زنان آنها خواستند که طرح پرده را روی فرش پیاده کنند که آن فرش همان هور شریعتمدار است. البته بر ما معلوم نیست که آن پرده دقیقاً مربوط به چه منطقه‌ای بوده، احتمالاً مرحوم شریعتمدار در راه عبور خود به مکه در یکی از مناطق کشورمان آن را خریداری کرده‌اند و زنان خوش ذوق ایل خمسه شاید با الهام گرفتن از آن پرده و با کمک دستان توانمند و ذوق بی‌پایان خویش چنین شاهکار بی‌نظیری را خلق کردند.

زنان ایل خمسه عرب مزیدی به‌طور مکرر طرح این فرش را به سفارش شریعتمدار می‌بافتند که از آن پس به هور شریعتمدار شهره گشت. این قالی‌ها ابتدا برای استفاده خانواده خان و اطرافیان بوده و گاهی هم به‌صورت هدایا به خویشاوندان تقدیم می‌شده و مازاد آنها هم به فروش می‌رسیده است. استاد سیروس پرهام درباره طرح این فرش می‌نویسد: «طرح فرش هور شریعتمدار، سبک هندسی و تجرید یافته ترنج‌های

چهارگل خاصی است که در قالی‌بافی ایل بهارلو کاربرد مکرر داشته و بافندگان ایل افشار کرمان و ایل قشقایی نیز آن را به تفنن بافته‌اند. به استناد یک فرش بسیار کهن گیان بوانات، احتمال آن هست که اصل ترنج‌های چهارگل گردان و غیرهندسی از طرح‌های اصیل و قدیم گیان باشد. بافندگان منطقه استهبانات و به‌خصوص شهرک ایچ (ایگ، پایتخت شبانکارگان) از زمان‌های دور این طرح خاص را برگرفته و به شیوه هندسی متحول ساخته‌اند.» (پرهام، ۱۳۷۵، ۱۴۸).

در مورد رونق این فرش آقای آل ابراهیم، بنا به بررسی‌های خویش اوج بافت آن فرش را حدود سال ۱۳۱۷ ه. ش. می‌دانند که سالیانه ۲۰ تا ۳۳ قطعه ۳ گزی (۶ متری) تولید می‌شده است. این فرش پس از فوت شریعتمدار در سال ۱۳۲۲ ه. ش.، همچنان بافته می‌شد اما به تدریج از طرح و نقش اولیه خود فاصله گرفته است.

املائی درست و ریشه لغوی کلمه هور مشخص نشده است. آقای سیروس پرهام در کتاب *دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس* (جلد ۱) این کلمه را به صورت «هور» نوشته و به معنای طرح و نقش به کار برده‌اند (پرهام، ۱۳۷۰، ۵۴)؛ اما در محل بافت این فرش اغلب، املائی این کلمه را به صورت «هور» می‌دانند [۱۷] به همان معنای طرح و نقشه و چون برای خان شریعتمدار بافته شده به این نام خوانده شده است. در هر حال، فرش هور شریعتمدار از شاهکارهای فرش‌بافی فارس به‌شمار می‌رفته که متأسفانه امروزه آن طرح و نقش در حال فراموشی است و آنچه در حال حاضر به نام هور

شریعتمدار بافته می‌شود، از طرح و رنگ خود بسیار دور شده و آن را نمی‌توان کاملاً منطبق با طرح اولیه دانست.

ویژگی‌های این فرش

- **رنگ‌ریزی و طراحی:** بافنده هور شریعتمدار با دستان توانمند خود پشم‌های فرش را رنگ می‌کرد. با هموار کردن سختی‌های بسیار، گیاهان محلی را تهیه کرده و به رنگ‌ریزی می‌پرداخت. بافنده امروز نه تنها چندان به رنگ‌ریزی نمی‌پردازد، بلکه رنگ‌های شیمیایی و جوهری را بر جای رنگ‌های درخشان و پر تالو گیاهی نشانده است. رنگ‌هایی که زنده بودند و زندگی می‌کردند. هفت رنگ جانبخش طبیعی، زیب هور شریعتمدار بود: لاک، سرمه‌ای، مشکی، سفید، دوغی، آبی تیره، قهوه‌ای متمایل به قرمز. این رنگ‌ها را از مواد طبیعی به دست می‌آوردند مانند: روناس، نیل، پوست گردو، پوست انار، اسپرک، برگ مو و... غالب این رنگ‌های اصیل فرش نیز در گذر زمان مرده‌اند و رنگ‌های نارنجی، سبز، آبی کم‌رنگ و... به ناشایست بر جای آنها نشسته است که همه جوهری هستند. زنان ایلپاتی عرب رنگ‌ها و فام‌های تیره به کار برده و رنگ‌های تند و روشن را نمی‌پسندند.

همانطور که استاد پرهام نوشته‌اند، طرح این فرش سبکی هندسی و تجریدیافته از ترنج‌های چهارگل است. همچنین ساختار کلی آن شامل بومی با ترنجی نسبتاً بزرگ با لچک است که سه حاشیه آن را قاب گرفته است. فرش اصیل هور شریعتمدار دارای دو

حاشیه باریک و یک حاشیه پهن بود. حاشیه‌های باریک همیشه به رنگ سفید یا کرم بودند، همان رنگی که مرز فضاها و فرش و بعضاً نقش‌ها را تشکیل می‌داد. یک ترنج بزرگ بخش عمده‌ای از متن فرش را پوشش می‌داد که درون آن، ترنج کوچکی قرار می‌گرفت. معمولاً حاشیه پهن و لچک‌ها و ترنج مرکزی که کوچک بودند با یک درجه رنگی و ترنج بزرگ و زمینه نیز با یک درجه دیگر از همان رنگ بافته می‌شدند. زمینه این فرش دارای دو رنگ اصلی بود: لاک و سرمه‌ای. مثلاً اگر فرش زمینه لاک محسوب می‌شد، ترنج بزرگ و زمینه را با تیره‌ترین درجه رنگ لاک که به مشکی نزدیک بود می‌بافتند و لچک‌ها و حاشیه پهن و ترنج کوچک مرکزی را با لاک روشن‌تر. در مورد رنگ سرمه‌ای هم به همین ترتیب رنگ‌بندی صورت می‌گرفت.

نقش مایه‌های حاشیه‌های باریک را در منطقه ایچ، به زبان محلی گل و پای قزاق می‌گویند. حاشیه اصلی فرش نیز از بوته‌های گل و درخت سرو تشکیل شده است. نقش مایه اصلی که در لچک‌های فرش خودنمایی می‌کند همان نماد کله‌مرغی است. در ترنج کوچک مرکزی، نقشی شبیه حوضچه مستطیل‌شکلی قرار گرفته که اطراف آن گل و بوته وجود دارد. متن و ترنج بزرگ را سراسر گل و بوته و نقش مایه‌های مختلف پوشانده که هر یک نماد خاصی است.

- **مواد اولیه:** بافنده هور شریعتمدار پشم گوسفندانش را چیده و دست‌ریس می‌کرد و برای چله و پرز و پود



فرش به کار می برد. هرچند امروز هم می تواند به همان سیاق به پیش رود اما سختی آن را به جان نخریده و پشم ماشین ریس به کار می برد. فرش هور شریعتمدار تمام پشم بوده و در گذشته از پشم دست ریس استفاده می شد اما امروزه پشم ها ماشین ریس هستند و گاهی هم چله پنبه ای است.

- **شیوه و سبک بافت:** این فرش با شیوه و سبک نیم لول بافته می شود. به این صورت که دو پود پشمی دارد که هر دو به یک ضخامت هستند (ضخامت هر پود تقریباً دو برابر ضخامت پرز فرش است). پس از هر رج بافت، یک پود از زیر ضرب رد شده و سفت کشیده می شود سپس با ایجاد ضرب به وسیله هاف، پود دوم عبور می کند که مواج است یعنی چله ها را دور می زند. گره ها از پشت فرش به صورت ∞ دیده می شود، یعنی یک گره بزرگ که در کنار خود یک نیم گره دارد. این نوع بافت را شیوه و سبک نیم لول می گویند. بعد از هر رج بافت و رد کردن دو پود از وسیله ای به نام سرند [۱۸] استفاده می شود. سرند نوار پارچه ای بلند یا نخ پشمی کلفتی است که بعد از رد شدن پود دوم از محل پود عبور می کند و کوبیده می شود تا پودها و گره ها در جای خود قرار گیرند. معمولاً در بافت فرش های تمام پشم این شیوه به کار می رود. چون پشم انعطاف زیادی دارد با کمک سرند که در مناطق دیگر تب کوب [۱۹] نامیده می شود پود و گره ها را کاملاً در جای خود می نشانند تا بافت متراکم تر شود.

- **رج شمار:** رج شماری حدود ۱۸ تا ۲۰ رج در گره ۷

سانتی متری دارد که در گذشته ریزبافت تر بوده است و احتمالاً در گذشته رج شماری حدود ۳۰ تا ۳۵ در ۷ سانتی متر داشته است.

- **نوع گره:** گره این فرش، گره متقارن یا آذری است که البته بافنده هور شریعتمدار بر خلاف آذری بافان، از قلاب در بافت فرش استفاده نمی کند بلکه با کمک انگشتانش چله ها را به جلو کشیده و گره می زند و این باعث می شود که این فرش نسبت به فرش های قلاب بافت نرم تر باشد، چون دیگر نیازی نیست که چله ها را بسیار سفت کند.

- **نوع چله کشی:** در بافت این فرش از چله کشی عشایری استفاده می شود که نظام بسیار ساده ای دارد.

- **ابعاد فرش:** در گذشته معمولاً ابعادی که فرش هور شریعتمدار بافته می شده به این صورت بوده: ۲×۳ ، ۲×۴ ، ۳×۶ ، ۴×۱۰ ، ۵×۲ متر. امروزه بیشتر ابعادی که اتحادیه فرش دستباف به بافندگان سفارش می دهد شامل: ۱×۳ ، ۲×۵ و ۲×۱ متر است.

- **قیمت فرش:** فرش هور شریعتمدار با ابعاد ۲×۳ متر در بازار معمولاً به قیمت ۷۰۰-۶۵۰ هزار تومان و با ابعاد ۱×۲ متر به قیمت ۳۰۰ هزار تومان به فروش می رسد. بافندگانی که با سرمایه خود فرش می بافند، اگر پشم دست ریس به کار ببرند از بازار فسا تهیه می کنند و اگر پشم مورد استفاده شان ماشین ریس باشد از اتحادیه فرش دستباف خریداری می کنند که اتحادیه نیز این پشم ها را از کاشان تهیه می نماید. بنا به گفته بافندگان منطقه ایج، به طور متوسط هر بافنده در کنار

امور خانه، روزانه ۵ تا ۶ رج فرش می‌بافد. بافنده برای بافت یک فرش با ابعاد ۱×۲ متر با متوسط بافتی که ذکر شد می‌تواند بافت فرش را ۴۰ تا ۵۰ روزه به پایان برساند.

طبق اظهارات این بافندگان، قیمت ۱ کیلو پشم دست‌ریس خام در بازار ۴۵۰۰۰ ریال است. برای بافت یک فرش هور شریعتمدار تمام پشم با ابعاد ۱×۲ متر حدود ۸ کیلو پشم مورد نیاز است (مجموع چله و پرز و پود). اگر پشم‌ها دست‌ریس در نظر گرفته شود با حساب هر کیلو پشم ۴۵۰۰۰ ریال جمعاً حدود ۳۶۰۰۰۰ هزار ریال مواد اولیه مورد مصرف است. با توجه به اینکه امروزه اغلب رنگ‌ها در هور شریعتمدار جوهری است، مبلغ ناچیزی هم بابت رنگ در نظر گرفته می‌شود.

– وسایل و ابزار بافت در فرش هور شریعتمدار به شرح زیر است:

۱. کرکیت: [۲۰] ابزاری با کاربرد دفتین که برای کوبیدن پود و گره‌ها و قرار دادن آنها در جای خود به کار می‌رود. (تصویر شماره ۲)
۲. کاردک: [۲۱] ساده و بدون قلاب است. (تصویر شماره ۳)
۳. قیچی: ساده. (تصویر شماره ۴)
۴. اره: [۲۲] ابزاری که به وسیله آن پرزها را در

هر رج شانه می‌کنند. به این وسیله پرزها تا حدودی صاف شده و در جای خود قرار می‌گیرند، پرزهای اضافی خامه‌ها گرفته شده و تا حدودی هم به پیش‌کشی گره‌ها کمک

می‌کند. (تصویر شماره ۵)

۵. شاخ بز کوهی یا پازن: شاخ بز از جمله ابزاری است که از زمان‌های بسیار دور و طبق یک سنت به‌عنوان یکی از وسایل مورد استفاده در فرش‌بافی عشایر کاربرد خاصی داشته است. چون در دارهای افقی جابه‌جا کردن چوب هاف با دست برای بافنده مشکل است لذا با نوک شاخ که به داخل برگشته چوب هاف را به سمت خود کشیده و با پشت آن که حالت انحنا دارد هاف را به سمت عقب هل می‌دهد. (تصویر شماره ۶)
۶. دار: تمام دارها افقی و زمینی است که در اصطلاح به دار افقی در این منطقه «تن داری» [۲۳] می‌گویند. جنس دارها در گذشته چوبی بوده اما امروزه فلزی است چون دار فلزی استحکام بیشتری دارد و نصب آن برایشان آسان‌تر است و از بعضی عیوب فرش نیز پیشگیری می‌کند. اگر قالی هنگام بافت دارای عیب کجی شود یعنی لبه‌های طولی فرش به داخل رود بافنده سعی می‌کند این عیب را روی دار برطرف نماید. اگر این عیب رفع نشود، هنگام فروش از قیمت قالی کاسته می‌شود.

– وضعیت تولید و فروش: در حال حاضر به‌جز تعدادی از فرش‌ها که بافنده، آن را با سرمایه خود می‌بافد بقیه به سفارش اداره بازرگانی برای اتحادیه‌های فرش دستباف



فارس و یزد بافته می‌شود. از این تعداد فرش حدود ۴۰ درصد مصرف داخلی داشته و بقیه صادر می‌شوند. تا سال‌های ۱۳۷۹-۸۰ که تولید و تقاضای فرش هور شریعتمدار زیادت‌ر بود سالانه حدود ۶۰۰ متر مربع از این فرش در ایچ تهیه می‌شد که متأسفانه امروزه میزان ناچیزی تولید این فرش در منطقه وجود دارد.

در شهر ایچ معمولاً افراد بالای ۲۰ سال به بافت فرش مشغولند و گاهی افرادی با سنین ۶۰ الی ۷۰

سالگی هم به بافت می‌پردازند. جوان‌ترها به‌خاطر درس و مدرسه کار بافت انجام نمی‌دهند. فرزندان بافندگان کمتر حاضرند بافندگی را به‌عنوان شغل خود انتخاب کنند، اکثراً تحصیل کرده و به کارهای اداری مشغولند. گذشته از آن بافت فرش در منطقه رونق چندانی ندارد و از این رهگذر درآمد کافی نصیب بافندگان نمی‌گردد. بافندگان منطقه، از رکود بازار فروش گله‌مندند. خریداران داخلی فرش هور شریعتمدار مردم فسا، استهبان و عده قلیلی از مردم شیراز و درصد بسیار کمی از مردم یزد هستند.

آسیب‌شناسی و راهکارها

به علت فقدان تبلیغات و بازاریابی مناسب، این فرش در بقیه مناطق ایران شناخته نشده و این خود دلیلی



تصویر شماره ۲: کرکیت (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۵: اره (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۳: کاردک (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۶: شاخ بز کوهی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۴: فیچی (مأخذ: نگارندگان)

بر رکود بازار فروش آن است. بی توجهی مسئولان شهرستان استهبان و استان فارس به این فرش گرانبها و حمایت نکردن آنها از بافندگان هور شریعتمدار نیز بهانه‌ای دیگر برای رکود بافت این فرش است. همه این عوامل دست به دست هم داده و هور شریعتمدار را که روزی روزگاری از عجایب بافت منطقه فارس بوده تا سر حد نابودی به پیش می‌برد.

هیچ‌گونه کارگاه بافت جمعی و متمرکز در این شهر وجود ندارد چون تمام بافندگان منطقه خانم‌ها بوده و به‌خاطر دلبستگی به خانه و خانواده، حاضر نیستند آغوش گرم خانواده را رها کرده و به کارگاه بروند. معمولاً در خانه، یک اتاق را به عنوان کارگاه بافت خود در نظر گرفته‌اند. آنهایی که بضاعت کمتری داشته و بیش از یک اتاق برای زندگی ندارند یا بافت را کنار گذاشته و یا گوشه‌ای از حیاط خانه را به دار قالی اختصاص داده‌اند. هرچند با ابزارهای ساده خود برای دارشان سایبانی ساخته‌اند اما از گزند آفتاب و بارش باران در امان نیستند. ایجاد یک نمایندگی از اتحادیه فرش دستباف و یا شرکت سهامی فرش در این منطقه و نیز ارایه تسهیلات برای ساخت و تجهیز کارگاه‌های خانگی بافندگان کم‌بضاعت، می‌تواند سامان مناسبی را برای این فرش فراهم نماید.

نماد در هور شریعتمدار

دشت هزارگل هور شریعتمدار شاید نشانی از حاصل‌خیزی و پرباری سرزمین بافنده دارد، بوته‌ها و

گل‌های ریز و درشت در جای جای این دشت جلوه می‌فروشند. گل‌های هشت‌پر، دسته‌های پرگل، بوته‌های پربرگ، گل‌های چهارپر و... که گروهی در آغوش نقش‌های کله مرغی آرمیده‌اند، مرغانی که قاصد بارانند و پیام‌رسان طراوت و حاصل‌خیزی. زنجیری از مرغان نشان از طلب باران دارد از سوی آفریننده نقش. پس از باران، خورشید است که باز می‌درخشد، در هیئت گل‌های نیلوفر و ستاره‌های هشت‌پر قالی. گل هشت‌پر دو رنگ، از چهار فصل سال نیز نشان دارد، بهار، تابستان، پاییز و زمستان، و ۴ که عددی مقدس است.

شاید از نگاه بافنده، چهار قسمت فرش نشان از چهار باغ بهشت دارد، قاب قرآنی که در هر بخش از آن به چشم می‌خورد می‌تواند گواهی بر این مدعا بوده و وعده فردوس برینی که در آن آمده را بازنمایی کند؛ می‌تواند نماد چهار جهت اصلی دنیا باشد، یعنی به هر طرف که رو کنیم رو به سوی معبود است. یا شاید نشان از چهار عنصر اصلی جهان دارد، عناصر اربعه: آب و باد و خاک و آتش. همان عناصری که جهان و هرچه در آن است از همین‌هاست. اطراف این باغ بهشت را درختان سرو پوشانده‌اند، درختی که نماد نامیرایی و زندگی جاوید است؛ درخت زندگی.

به برکت بارش باران و تابش آفتاب، تالو آب و کوهستان‌های آب‌خیز، چشم را می‌نوازد. لوزی‌های شطرنجی با خانه‌هایی یکی سیاه و یکی سفید همان آب و همان کوهستانند. ترنج عظیم و باوقار فرش، صحن بزرگی از این دشت را فراگرفته با همه بارش‌ها







تصویر شماره ۸: فرش هور شریعتمدار، قدمت: ۲۵-۳۰ سال، محل بافت: ایج، محل نگهداری: ایج - منزل یکی از بافنده‌ها (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۹: فرش هور شریعتمدار، قدمت: ۳۰-۳۵ سال، محل بافت: ایچ (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۱۱: فرش هور شریعتمدار، قدمت: حدود ۴۰ سال، محل بافت: ایچ، محل نگهداری: استهبان، منزل آقای حسن خان صادقی (پسر مرحوم شریعتمدار) (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۱۰: فرش هور شریعتمدار، در حال بافت - ایچ (مأخذ: نگارندگان)



تصویر شماره ۱۲: فرش هور شرعتمدار، قدمت: حدود ۵۰ سال، محل بافت: ایچ، محل نگهداری: استهبان، منزل آقای حسین خان صادقی (نوه مرحوم شرعتمدار)
(مأخذ: نگارندگان)

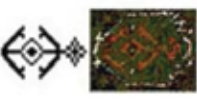
و تابش‌ها. آفریننده نقش، کوه‌های باشکوه را در قالب زنجیره‌هایی از اشکال سه‌گوش (مثلثی شکل) می‌نمایاند، کوه‌هایی که دامانی پر از گل دارند. گویی آفریدگار نقش، در دامان کوه و پهنه دشت ساعتی هم به تفنن به شکار می‌پرداخته، پیکان‌ها و تیرها گویای این سخن‌اند.

در حاشیه بزرگ و اصلی فرش، نماد خوش اقبالی و دفع چشم زخم دور تا دور این پهن دشت را محصور کرده تا شاید این پهنه بی نظیر را از گزند چشم ناپاکان و نامردمان به دور دارد. نقش لوزی در مرکز با دو تیر یا پیکان در دو سویش که نماد خوش اقبالی و باعث وفور نعمت در شکار و برداشت محصول است. نقش چشم در مرکز، نشان دفع چشم زخم و پیکان‌ها نشان شکارند. در مرکز این دشت و آن ترنج، تالابی است که

گل‌های نیلوفرش تازه سر از آب به‌در کرده‌اند. گل‌های هشت‌پر در جوارش می‌تابند تا غنچه‌های نیلوفری به ناز، چتر خود برگشایند. باشد که نیلوفر نیز خورشیدی گردد به کمال و هر گلبرگش پرتوی از آفتاب. «هور» نیز در ادبیات کهن ایران همان خورشید است که در فرش می‌تواند کنایه‌ای از ستاره بخت و اقبال باشد.

نگاه بافنده هور شریعتمدار به نقش مایه‌های فرش

بافنده هور شریعتمدار هر نقش و نگار فرش را در هیئتی خاص دیده است. یکی را به شکل غراب، دیگری در قالب کتاب مقدس قرآن، آن یک به هیئت آدمک و... به یقین در نقاط دیگر، این نقش‌ها را به این نام نمی‌خوانند. بافنده نمی‌داند چرا این نقوش را به این نام می‌خواند،

نام	پیکان	زنجیره مثلثی	لوزی با دو پیکان	گل نیلوفر آبی (در زبان محلی به آن ریش می‌گویند)	درخت سرو
نماد	شکار	کوه	دفع چشم زخم	خورشید	بی مرگی و جاودانگی
شکل					
نام	گل شطرنجی	گل هشت پر	کله مرگی	آلما گل (صورت هندسی گل هشت پر باستانی)	
نماد	کوه و آب	چهار فصل سال - عدد مقدس ۴ - خورشید	طلب باران	چهار فصل سال - عدد مقدس ۴ - خورشید	
شکل					

جدول شماره ۱: تعدادی از نمادها در هور شریعتمدار (مأخذ: نگارندگان)

گویی این نام‌ها از گذشتگان به او رسیده ولی هیچ‌گاه برای او این سؤال پیش نیامده که این نام‌ها چه مفهومی دارد. در ادامه به تعدادی از نقش‌مایه‌های فرش با نام محلی آنها اشاره گردیده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در طی نوشتار ذکر گردید، طرح فرش هور شریعتمدار از نقش‌مایه‌هایی تشکیل شده که هر کدام معانی عمیقی در دل خود نهفته دارند. معانی و مفاهیمی که با زندگی بافنده پیوسته‌اند. طرح آن طرحی است تقریباً فراموش شده. نمونه‌هایی از این فرش که امروزه در حال بافت است، اصالت و زیبایی طرح و رنگ خود را از دست داده و از اصل خود بسیار دور شده‌اند. ویژگی‌های خاص این فرش آن را تا حدود زیادی از دیگر فرش‌ها متمایز می‌کند. این فرش گره متقارن دارد ولی بر خلاف آذری‌بافان از قلاب در بافت آن استفاده نمی‌شود. در استان فارس اکثر قریب به اتفاق بافندگان گره متقارن از قلاب استفاده نمی‌کنند، این امر باعث

می‌گردد فرش‌های به‌دست آمده نسبت به فرش‌هایی که با قلاب بافته می‌شود نرم‌تر باشند. از دیگر خصوصیات منحصر به فرد این دست‌بافته، ترنج عظیم آن است که بخش عمده‌ای از زمینه فرش را به خود اختصاص داده است. سبک و شیوه بافت آن، نیم‌لول است که در برخی مناطق دیگر فارس نیز به کار می‌رود.

بافندگان قدیمی و اصیل این فرش با گذر روزگار از میان رفته‌اند و بافندگان جدید با وجودی که فرزندان همان بافندگان قدیمی هستند، روز به روز طرح این فرش را بیشتر به فراموشی سپرده و از آن دور می‌گردند. از طرفی کم بودن دستمزد بافندگان و بی‌توجهی و حمایت نکردن مسئولان استان فارس از بافت این فرش نیز از عواملی هستند که این فرش را روز به روز به سوی فراموشی سوق می‌دهند.

امید که با تلاش و توجه مسئولان، بتوانیم از نابودی این شاهکار بی‌نظیر فارس ممانعت به عمل آورده و باز هم شاهد طرح‌های اصیل و بی‌همتای هور شریعتمدار بر دارهای قالی‌بافی شهر ایج باشیم.

نام محلی	سوله کن	دسته گل	گوشواره	غراب	آدمک	خال خالی	آینه گل
شکل							
نام محلی	گل پشمی	ریش سبز	گل	پای قزاق	قرآن	ماه	چشم گاوی
شکل							

جدول شماره ۲: نام محلی تعدادی از نقش‌مایه‌های هور شریعتمدار (مأخذ: نگارندگان)

۲۳. Tan Dari، علت اینکه دارها را به این نام می‌خوانند بر ما معلوم نیست.

فهرست منابع

۱. پرهام، سیروس (۱۳۷۰) *دست‌بافت‌های عشایری و روستایی فارس*، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. پرهام، سیروس (۱۳۷۱) *دست‌بافت‌های عشایری و روستایی فارس*، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. پرهام، سیروس (۱۳۷۵) *شاهکارهای فرش‌بافی فارس*، تهران: انتشارات سروش.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کیانی، حسن (۱۳۷۶) *جغرافیای تاریخی استهبان*، شیراز: انتشارات میرزای شیرازی.
۶. مجموعه مؤلفان (۱۳۸۰) *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مقاله ۴۱۷۰، جلد ۱۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۷. مصاحبه با آقای محمدرضا آل‌ابراهیم، محقق استهباناتی.
۸. مصاحبه و همکاری آقای حسن خان صادقی پسر مرحوم شریعتمداری.
۹. مدیریت جهاد کشاورزی استهبان (بخش آمار).

1. Houre Shariatmadar

2. Eij - Estahban

3. Fasa

۴. Estahbanat؛ نام شهرستان استهبان در گذشته به صورت معرب (اصطهبان) نوشته می‌شد ولی امروزه با املای استهبان کاربرد دارد.
۵. آمارها و قیمت فروش فرش در کل مقاله مربوط به سال ۱۳۸۶ ه. ش. است.

6. Rudbar

7. Bodreh

8. Bonab

9. Noudab

10. Dehuyeh

11. Anjirak

12. Ab-band

13. Abnarak

14. Tange eij

15. Chah deraz

۱۶. محمدرضا آل‌ابراهیم یکی از فرهنگیان محقق است که چهار کتاب: *فرهنگ مردم استهبان*، *محرم و رمضان*، *طلب باران*؛ *آثار باستانی*، *اماکن مذهبی و گردشگاه‌ها در استهبان*؛ *بازی‌های محلی در استهبان* و *اردشیر بابکان زاده بختگان* را نیز به نگارش در آورده است.

۱۷. در این نوشتار نیز املای لغت به استناد محلی نوشته شده است. البته لغت «هور» خورشید، آفتاب، ستاره و بخت و طالع معنا شده و «حور» نیز به معنای سیه‌چشم و زن زیبای بهشتی آمده است.

18. Sarand

19. Tab-koob

20. Karkit

21. Kardak

